نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

۴ شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۲۷ — تکشماره ۲ ریال — شماره ۴۲۵

بررسی جراید: یکشب در کوهرنك ۱۲۰ صندوق مشروب، بخرج مردم، صرف شده ولی پس از یکماه ۱۲۰ حبه ذغال بدر گز نرسید

امریکا میخواهد بوسیله عمرشکاك یك «کردستان بزرك مستقل» بوجود آورد!

بسیار مجرب فوراً نظر هو حساب دو میلیارد جمعیت دیافریاد میکند برای شرایط مشیم را فرضا تما دارم... آنان ها هم پیچیده‌شده اند!

«اغتال روبنسون» رژیسور فیلمهای «عصیان در فرهنگ»، «جاکرت»، «دانشگاه خاموش»، مشغول گرداندن فیلم «دخترها به پیش» میباشد

داستان «خواجه‌نوری و افسه» و دربار مصر و دو طفل دو قو و سرا (تفریحی) و گونه برج و شرایر امریکا و بیچارگی عمرو جون و مهمانهای مجرمانه و راه دربار... و

مطلب و تفصیل در صفحه ۴

در همه جا باید با تصمیم قاطع با دشمنان ملت روبرو شد.

حزب توده ایران همیشه راه روشن پرنسیبی را بجای باطلاق مانور ها و بندو بست های ناشی از ضعف بر گزیده است.

امپریالیسم در همه جا با مقاومت نیرو ها و دموکرات و صلح طلب جهان برخورد میشاید و هر روز تلخی شکست تازه‌ای را در کام خونین خویش می مکیند. از اینجهت حمله بیخردانه او در کشورهای غیر مانند ما، ما بر همین و فضا گی بیشتری بخود میگیرد. هیئت حاکمه ما از که روزیه امپریالیسم است درحالی که منویات او را عمل می‌آورد میدانی برای ابراز و افراش قدرت ملی خویش پیدا میکند. هنوز لشکر انتظام هیئت حاکمه ما فرو نشسته است و هرچه بیشتر بعملیات غیر ملی دست میزند از هم‌اعتماد خود بیشتر بیرانی می‌افتد و اقدامات آدم کشانه تازه‌ای طرح میشاید.

کارمندان دولت را بوسیله تصویب نامه‌ای که آنها را تابع قانون استخدامی است از آزادی قلم که حق مسلم اجتماعی است محروم میگردانند. فرهنگ را بجای مدت میکشند و میخواهند فرهنگیان را بخدمتهای گماشته اندازند که قسمی جز در راه بدگی و ناسازگاری برنداشته‌اند.

از دانشجویان تعهد می‌گیرند که در دانشگاه جز باشیوه گوش بسته نه‌ندگی‌ندارند.

در کارخانه‌ها سرنیزه حکمرانی میکند و هرکارگری که از این روزانه خود را مطالبه نماید و یا تعطیلات سه‌گانه دولتی را پیشنهاد نماید تیرباران میگردد و چنین نتیجه بیشمار بر خانه کثریت سازی چنین آنان نمی‌گیرد و اعلان میکند که برخلاف کلیه قوانین بین المللی و برخلاف همین قانون کار عملی بکار رانده شده است ماده برای غلط دیسوزانه و سنگ‌اندازی نمایندگان دولت، از مانور سازمان ارتش و از کارمند عضلات اجتماعی خبری نیست. اما در آنجا که باید فعالیتی در کار کارگران و بوده آورد و مخالفانی را بعنوان نمایندگی آنها تعیین کرده اینها حضور دارند.

دکتران مجلس شورای ملی برای منافع کثریت زیادت نامه‌نمیخواهند. کار تو گری بجای رسیده است که کودکان مجلس، بعلی کسی که باید نماینده‌گی ملت بر گزینی نشسته بخط قانون اساسی قسم‌یاد کرده‌ست‌نمایندگی‌را بخدمت در امور مجلس و نقض قانون اساسی دعوت مینماید.

انتخابات دوره هفدهم دوباره میشود و از حالا لیست و کاندیدا نامه‌ها ارتش تهیه کرده است و برای مداخله در انتخابات نیروهای ارتش الحاقیه دست میزند.

دستگاه دولتی تمام قوای خود را برای جاسوسی تشکیلات ما و نیرو مبارزین ما بکار انداخته است. از یک طرف مقام ارتش، از طرف دیگر قهرمانی از طرف دیگر مزاکری که با اتکاء پشتیبان خانه قبول گرفته اعلام گروه تشکیلات ماتوانی میکند و راه خود میپویند، گزارش های دروغ میدهند، مقاله های پر لیست و اخبار مینویسند. چنان راه می اندازند تا حزب توده ایران را غیر از آنچه هست نشان بدهند و وسیله‌ای برای تقدیم صلاح علنی داشته باشند. در عین حال، خودفروشان صلح آنها در پی مبارزین حزب ما فرصت انتظار می‌جویند. از ما میترسند و میخواهند ما را بترسانند.

چرا ازما می‌ترسند؟

البته آنان فریفته های دروغ های خویش نیستند و میدانند که اینهمه برادر کش فقط دوست خود آنهاست. ولی ترس جایگاه آنها از منطق روشن این ماست منطقی که درعرض هفت‌سال آزمایش خصلت آدم کشان را بسیار گرفته است.

در مدت این هفت سال، در میان طوفان حوادث و بر بالای بلوغای دشمنان ملت همیشه صدای مطمئن حزب ما امید بخش دلها و راهنمام قدمها بوده است. اینك نیز حزب ما بکلیه رفقای حزبی، بکلیه فرزندان لایق ایرانی، بهمه آزادی خواهان و بهمه کسانی که بشخصیت بشری خود علاقمند اند ندا می زند که دراین حمله دیوانه‌وار ارتجاعی وظیفه هر فرد آزادی خواه ملت ماست که سنگر خود را بالتمام قوا دفاع کند.

بقیه در صفحه ۴

سومین تصمیم کنفرانس بین المللی جوانان کارگر

سومین تصمیم کنفرانس دموکراتیک مبارزه بایکاری و احتیاج و مبارزه برای آزادی در ازاء کار مساوی تشکیل دوره های حرفه‌ای و بالاخره تشریح عمل جوانان در اتحادیه‌ها بود.

«کنفرانس ما دورنمایی تشکیل میشود که جوانان کار کردنیا جای بهره برتن از صلحی که نیست جهان خود درطی [illegible] قاطعیم دست آورده اند در تشکیل [illegible] عضویت صندوق دمکراتیکی که تشکیل میکند قرار گرفته اند.

اما با قاطعیم اعتماد بهم تا گروهی غیر وعده‌ای ترویت شوند. ما بخاطر آینده درخشان زندگی صلح و آرامش امنیت مبارزه کردیم.

بقیه در صفحه ۲

فیلم‌های تبلیغاتی امریکا در دبستانهای تهران نمایش داده میشود

چگونه روح کودکان ما را فاسد میکنند

م. ه. مهر

وزیر فرهنگ که انتظار چاکری قدرت پرستی را اختیار خود قرار داده است از هیچگونه تملقی برای بسط خود و اجرای منویات امپریالیسم در وزارت فرهنگ دریغ ندارد و با اقدامهای خواسته های خود دشمنان ملت را که بخشنامه آزادی اندیشه صلحجویی فراهنگ وزارت فرهنگ و بروزی جوانان با روح بردگی، آماده میشود بی‌پروا انجام میدهد. و صدای از فرهنگیان نیز برای همین خواهش صدای وزیر فرهنگ بطور اعلانه تدریس نامه ایران تهیه میشود.

علاوه بر اقدامات قانون شکنانه و خلاف آزادی که وزیر فرهنگ هر روز بدستور از پایان خود بصورت تازه‌ای اعمال میکند، کوشش مذبوحانه و رسوائی او برای اشاعه روح اعتصال ما تبلیغ و برخلاف نقشه امپریالیسم امریکا بیشتر آشکار میشود.

اخیرا از طرف سفارت امریکا والیه با موافقت وزارت فرهنگ

بقیه در صفحه ۴

در سینما متروپل

ماجری

ش. ا. روبین

موضوع تحقیر علم و تسخیر عقل برخاسته است. این دوست تمام طبقه ساکنه آمریکا، اعضاء های سرمایه داری آمریکاست.

من وقتی فیلم «ماجری» را دیدم بیشتر پی بردم که چرا والاس را دیوانه می خوانند و چرا اینشتین برای این «دیوانه» تبلیغ میکند.

علم می‌گوید که جهان پیش می رود و کاخ‌هائی که برشانه‌های زحمتکشان جهان استوار گشته پایدار نمی‌ماند. ولی آقایان کمل، مرگان و دوپن دو نمور بسیار آرزو میکنند که زمان بایستد وجهان از این پیشتر نرود. برای این پادشاهان سرمایه بسیار دردناك است که تاریخ تاج زرینشان را برداده و علم این حقیقت را اعلام کند.

در اینجاست که آنها فریاد برمیآورند علم مسخره است، علم دروغ است. هولیود این فریاد اعتراض را تکرار می کند و آقای کلارك گیبل و عناصر گرین گارسون را برای تحقیر مقدس تسخیر علم بازی می‌گیرد.

در فیلم «ماجری» آقای کلارك گیبل (دوزل هری) می‌خواهد بالات بازی‌های خود آبروی علم را ببرد. او هروقت که از «درخت علم» سخن میگوید، قیافه چه نامزد و مثلث نشان «درخت بحاصیت» میکند. آقای هری سرملوان یك کشتی تجارتی است برای او زندگی جز لات بازی های بیهوده و عشرت مساوی زود گذر معنائی ندارد.

او در همین حال یك انسان «خوشبخت» نمونه‌ای است، نمونه‌ای که باید بر احساس بیننده مسلط شود و سرمجانگیزی هولیود را جورش بدهد.

آقای هری اگر شبی را با یك زن هرجائی «هنقاری» که، «روزنامه‌گی را دریافته است: او که هر وقت کتابت «علم وعقل» را میشنود پوزخند می زند، دشمن سرسخت کتاب است. هنگامیکه یکی از ملوانان کتاب می خواند کتاب را از دست او میگیرد و بدریا پرت میکند، آتوفت ابرو ها را بالا میاندازد و میگوید «من از ملوان کتاب خوان خوشم نمی‌آید».

مسلما کسی باین سادگی از هری نمی‌پذیرد که کتاب خواندن و فکر کردن بدست. برای این منظور فیلم از کتابخانه‌ای منظره عزت آوری میسازد و بیکباره آقای هری می‌فرستد. پردوار های کتابخانه جلدهای قالبی، در باره فواید کتاب و کتاب خوانی بیش سنه است.

در کتابخانه چند پیرمرد ریش کتاب میخوانند، از سر مطالعه کرده اند نزدیك است که چشمهایشان کور شود فضای تاریك کتابخانه، انبوه کتاب های درهم وبرهم، چهره های چروکیده و افسرده پیرمردانی که کتاب میخوانند بیننده ساده را از هر کتاب و کتابخانه‌ای بیزار میکند.

اینها که سر در کتاب فرو برده‌اند و جوانیشان را تباه کرده اند چه می خوانند؟ لابد از همان قبیل کتابهائی که بدوست آقای هری عرضه میشود. ماجرای دوست هری که نفر خود را با عدد تو شکسته، تصور می کند که روحش بآسمان پرواز کرده، آرزو جستجوی کتابی است که در حل این مشکل باو کمك کند.

کتابدار یك کتاب «فلسفی» که درباره روح نوشته شده بدست او میدهد کتاب را باز میکند، حوصله خواندن ندارد، هری برایش میخواند: «روح را معنی از دانشمندان روان هم می گویند... بعضی ها عقیده دارند که اصلا روح وجود ندارد... عده ای از فلاسفه آنرا اسمی اختصاص می نامند...»

با این مضحکه نفر آوری که

بقیه در صفحه ۲

ورزش

جشن ورزشی بود یا عملیات نظامی؟

یك نامه جالب توجه از رشت

یکی از ورزشکاران رشت درطی نامه‌ای جریان جشن چهارم آبان را برای روزنامه مردم فرستاده است.

ما بدون اظهار نظر در این نامه میخواهیم فلان فلان کنیم، بهتر است جشن تربیت بدنی در اینصورت نیز سکوت را ترجیح خواهد داد.

«بمناسبت چهارم آبان جشن ورزشی از طرف انجمن تربیت بدنی رشت در میدان سربازخانه تهیه رشت برپا گردید. این جشن بقدری از طرف افسران ارتش نسبت به‌مردمی بی احترامی گردید که قابل شرح نیست. مامورین رسمی خارجی که جشن دعوت شده بودند در از تماشاچیان جلوگیری در میدان مورد اهانت واقع شده و حتی یکی از آنها مدتی بر روی زمین نشسته و به این جریان کیف تماشاچی بودند. این بی انتظامی ما حیب گردید که مامورین

بقیه در صفحه ۲

مهمترین اخبار کشور

در مجلس دیروز

دهقانان گرمسار گرسنه‌اند در حالیکه انبارهای محتکرین چپاولگر از غله مالامالست

فرهنگ گرمانهم «جشن مهرگان» را برپا کرده و پادگان محل با «قدم دو» سربازان مانور متمتع خود را بچشم مردم پریشان روزگار شهر کشید!

فرهنگیان مبارز اتهام حجت میکنند

ورود سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی بتهران - امروز دانشجویان ضمن متینك پرشکوه خود بار دیگر با دامه مبارزه علیه دشمنان دانش پیمان میگذارند

«پرده دوم» نیرنك سازی عمال اسکی در کارخانه برق تهران آغاز شد

برای مطالعه در اموال ملت ایران که بدست شاه سابق غاصبانه بیانگهای خارجی سپرده شده است

در کمیسیون بودجه

در اثر احتراق معدن زغال سنگ گلندرود یازده نفر از کارگران بشدت مجروح شده اند

مامت مالی پرونده سوء استفاده های مالی «رهبر کل» تامین شد و باین مناسبت دموکرات ایران دهن کجی لنگی برفای خود تحویل داد

برای آنکه «احمد دهقان» هم پابپای اطلاعات و کیهان در پیشگاه استعمار «روسفید» باشد!

در صفحه ۲

مهمترین اخبار جهان

چیانکایچك از کار بر کنار میشود

تایمز انگلستان میگوید:

حکومت چانکایچك هم اعتبار خود را از دست داده و هم سپاهی راکه امریکا تعلیم و تجهیز کرده بود.

فقط کسانی به والاس رای داده اند

که از تعقیب کمیسیون فعالیتهای ضد امریکائی وحشت نداشته اند

اداره اطلاعات نظامی شوروی در برلن شایعات دروغ را تکذیب میکند

کارگران صنایع فلزکاری و بافندگی فرانسه تصمیم باعتصاب گرفتند

در صفحه ۳

www.iran-archive.com

مهمترین اخبار کشور

دیروز ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه

بامداد جلسه علنی مجلس تشکیل شد. صبحی از وزیران در حضور داشتند. عده از نمایندگان طرحی تهیه یک فوریت پیشنهاد کردند که بموجب آن اجاره‌بهاء سه آپارتمان یا سازه و هریک آنرا از مالکینی که از آن استفاده خواهند کرد تا مدت در پانزده سال دریافت دارد.

پس از یک مسئله مذاکرات به فوریت لایحه‌ای گرفته و باصوب فوریت لایحه را بکمیسیون مشترک فرستاده تا مدون گردد!

سپس مجلس وارد در دستور شد و آقای هیدالقدس آزاد استماع خود را ادامه داد.

آقای آزاد تحت از هزینه‌های گزاف جشن‌های دیگر و غیره در بکنه واد آمن سخنرانی و سپس حیات رجال کشوری و دولت موجود پرداخت او یادآور شد که کسانی در آن حادثه با انگلیسها ساخته و پاره‌ها همان خائنین مظلوم کردیم دیروز قبل از ورود قوای متفقین دولت میدانست که باران حمله میشود و در همان شب حمله، هرکت تحت دعوتی از افسران ارتش نموده بود.

(رئیس- آقای آزاد این اظهارات مطرح‌شده‌ای مربوط بموارد استماع نیست.)

(فرامرزی- اگر نوکه ناطق را قطع می‌کنید بنده می‌توانم حرف بزنم)

(آزاد- هر وقت مجموعه از خیانت صحبت کنیم عده‌ای بعضی می‌آید.)

(فرامرزی- صحیح است)

استماع خواهد شد و ناطق بنده کر. گردید اظهاراتم مربوط به استماع است.)

(یکی- با استماع دوار مشروطیت ومدیه‌گی کنید بنده چگونه انجام شده هیچگاه با ناطق ایجاد رفتار نشده است.)

(فرامرزی- ایجاد نیست)

فرمانده لشکر از مرکز کسب دستور میکند میگوید بنده ماهی ۱۰ آپارتمان میروند مشروط میخورند بنده میخواهم [هرچه‌هاتون انگلیس‌ها] همه را میگیرد.

(دکتر علوی- کلاهمصح است)

(ناطق- چرا نمیگذارید من این حرفها را بزنم) پس از آنکه ناطق ده دی از خیانت‌های قهرمان بحث کرده بعدها ناظر شاروع اجانب و ارتش شده و برای نمونه اش تاجر رادیو کسر کرد که عنا در دستور داخلی ایران فعالیت می‌نمود و دولت دارائی کیا توقف که ایفای جیاش فداییان باشاهی بوی مبارزه گردید.

سپس ناطق از باند قاچاقچی بحث کرده که باغر کت صبحی از بازرگانان و نمایندگان مجلس لشکران و تاجه منه قبل ۲ هزار صندوق قند و چای دیگر واحدون پرداخت عوض گمرک ایران طرق غیرمشروعه عبور دهی‌ایران از آستانه و بنده و تعقیب عمل آمده تحصیل‌دوزی، دولت وزیر حاضر دارائی دستور داده است که چون عده‌ای از نمایندگان مجلس هم شریک جرم اند از تعقیب قانونجویان خودداری کنند و چون اسناد تنظیم ناچار استفاده کرده است (عدم رادیو-عدم بهره اینمدوح امیر بنده‌ها باید شهادت داشته باشیم) (فرامرزی- اسم ببرید!)

آنگاه ناطق بسکته اوز پرداخت و از عبارت بزرگی که دولت هزار در بالا بردن برای آنچه بثروت ملی ایران بوده سخنرانه و کاری در این هنگام جلسه او را تشریف داشته چون وقت بعداز ظهر جلسه ختم و جلسه آینده ساعت ۵ صبح امروز دو گول شد.

* * *

درگرمسار نقطهٔ دیوار بسه

دیوار پایخت که بوضع‌هه معروفست اینک کشاورزان جیب گیرای اندازهار وضع عوض اندازه دشواری هستند.

جوانان کشاورز و متعصبین و مالکین محلی گمیم را در ایاراها احتکار کرده در چوبین موضعی که سرمای زمستان‌دویش استوده‌ها نارا گرسنه گذارده‌اند.

بیانات اهالی گرمسار که همچون پادشاهان سنبله و خودکام در گرمسار حکومت میکنند از هر گونه اجتماعی فرارمین دانی‌ایستند. آیا با تهدید باطراح اید در اعلاء خاصه کشاورزان

اخبار ورزشی

بقیه از صفحه ۱

واسمیور میکنند که یکنفر مدعی سرازیبای گمیم رضایت‌دهنده و زیرفشار حاصل ج خود را وایگان تسلیم دارند!

تنها درآمد دیروز امیر بهای گمیم از خواری ۱۵۰۰ ریال بعو هزار ریال ترقی کرده‌ویان ترتیب آینده‌موقی اعاده وحیبی دهقانان را تهدید مینماید.

* * *

فرهنگ کرمان باصطلاح

«جشن مهرگان» را برپا کرد، اما تنها چیزی که در اینجشن دیده میشد خطابه‌های نشاط‌آور و چاپلوسانه بود چون‌اینکه بالاسر مردم جهنم‌مهرگان چه بود و برای‌چه می‌بایستی چنین‌جشنی را برپاداشت!

لشکر ۴ کرمان نیز برای آنکه ضربت شدیدی نشان دهد و سرنیزه‌های برای خود را برخ مردم گرسنه غیرآسوده‌من کشد مانور برپا کرده اما این «مانور» که جز نشانگر چه تیرتوپ و دوربین چه مرسل نبود ناچاره نتوانست معمور اصلی سازمانگران خود را تامین نماید. ناچار برای آزمایش و روش «ع» (جریان بدین‌ترتیب بکسرهنگ ، یک مردانی و یک آهوبره زده تا بیا تظاهرات برخطه خود مردی برنامه‌ها عیران کنند و با کره‌ها تجدیدی نگرند ضلوتی خم کرده‌ند و هیچ قسب بازی پایان دادند.

* * *

بدنبال جلسه پرشور پرسش

نمایندگان خراسان و بیشور که درمرکز مرتبطاً برپا شد بایاری از عضوی جبهه موتلفه جامع‌الاسلامی و اشتراک مالی صادر گردید.

اطلاعیه‌ها کی از آمادگی فرهنگیان دارد و کنار در اعلام اعتصاب عمومی است. انجمن‌ها کی از نمایندگان مجلس که در جلسه عمومی معلمین شرکت را بهمیده گرفته‌ند تا جبهه موتلفه چون تصمیم میگیرند.

((هیئت‌های مدیره جوامع موتلفه مجاز هستند چنانچه نمایندگان مجلس موتلفه وزارت فرهنگ را وادار بدین اعتصاب‌های حق دو جانبه مبارزه علیه اعتصاب را تهیه و برای اجراء جلسه عمومی از اعضاء.))

نیروی متشکل فرهنگیان فراتر است که از بیانات جلسه ایران در خواری است بی‌هنگ هر گونه دسیسه را رد و می‌گذرد و از مبارزه مرتبه پیروزی می‌آید.

* * *

آقای ایوان ساده‌چکاوف

مدیر کل اتحاد عناصر خورده در تهران که برای استفاده‌ایران مجلس عمومی خود هزینه نموده بودند بریاست وارد تهران شده‌اند.

* * *

امروز ساعت ۵ صبح مشتاق

عمومی دانشجویان دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه دیروان تشکیل خواهد شد در این مشکل دانشجویان، بیکار دیگر سعادت خود را بحساب آزادی کش خورای دانشگاه اعلام خواهند داشت و داده دلیرانه مبارزه مقرر اعلامیه پیمان خواهند گذشت.

اعضاء این باشد دانشجویان پاکدل و مبارز دانشگاه چون تردید دشمنان داخلی را که بکشوت داخل آرامشانه مراجعه را دو خواهند آورد!

* * *

پس از آنکه علمداران اسکی

در کارخانه برق باعده کوشش توانستند جلب پیروانی موفق شوند اینک پرده دوم بیرنگهای خود را آغاز کرده‌اند پایان ترتیب که ورنه‌های سلیه‌دار می‌کوشند باعضاء رسانده‌این‌سوان که تقاضای پروانه برق‌دار نموده‌اند قانون اعاده دسترد میخواهند تا بعدا بتوانند ورودداری باسکی‌ها را در درسورتها جارنند!

ضمناً چون عضو از مهندسین کارخانه باانتصاب رئیس جدید «مهندس میکده» مخالفت میخواهند اختلافات خصوصی خود را باغرب کارگران پیش برند و آوازی اعضا خود را جوان و ابراز مخالفت باقوانین جدید! قائل کنند، چنانکه روز گذشته در چنین منظور جلسه تعاونی مخالفت آمیزی در کارخانه برپا کنند که چون کارگران عشایر باوسعه نظر خود نمی‌توانستند

در اینگونه خصومت‌های خصوصی دخالتی داشته باشند نقشه‌ها کور بی نتیجه مانده.

مدیریت سازمان دولتی باستانی معتقدن شده که از کوشش مدبرانه خود جلوگیری نماید و هرچه بیشتر وسیله تکاملی خود کثیف خود را بیشتر نمایان خواهد ساخت.

* * *

درمحاکمه مطروحه در شعبه

۱۲ داد گاه جلسه تهران دیروز روزنامه سیاست ما، داد گاه بر حسب شکایت آقای ابوالقاسم ارباب زاده و آقای مدیر آقای توحید مدیر روزنامه سیاست ما چنین گواهی داده است.

« شعبه ۱۲ داد گاه جلسه تهران بآقای ابوالقاسم ارباب زاده و آقای مدیر آقای توحید مدیر روزنامه سیاست ما چنین گواهی داده است.

« شعبه ۱۲ داد گاه جلسه تهران بآقای ابوالقاسم ارباب زاده و آقای مدیر آقای توحید گواهی میدهد که مقاراته میتواند از کمیسیون اروپا راجع بوجودهای که در طرف مصرف پاپوش دستمالی‌ها خارج باشد نگشتن فرستاده‌شده موارد مقدمه را استخراج و طرف پیروز تسلیم داد گاه نماید.

شعبه ۱۲ تهران فیروز ۱ خرد ۲۲/۸/۹ »

باینطرف شد که بدون که باجروز فرصت بیجوجه کافی نیست تا جواب مسئله بدین دلیل و اهمیت را کاملا رسیدگی کرد با اینحال اگر مقدار در کمیسیون اروپا راجع بوجودهای که در طرف مصرف پاپوش دستمالی‌ها خارج باشد نگشتن فرستاده‌شده موارد مقدمه را استخراج و طرف پیروز تسلیم داد گاه نماید.

شعبه ۱۲ تهران فیروز ۱ خرد ۲۲/۸/۹ »

باینطرف شد که بدون که باجروز فرصت بیجوجه کافی نیست تا جواب مسئله بدین دلیل و اهمیت را کاملا رسیدگی کرد با اینحال اگر مقدار در کمیسیون اروپا راجع بوجودهای که در طرف مصرف پاپوش دستمالی‌ها خارج باشد نگشتن فرستاده‌شده موارد مقدمه را استخراج و طرف پیروز تسلیم داد گاه نماید.

* * *

ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر

دیروز کمیسیون بودجه با حضور معاون وزارت دارائی جلسه‌ای که بنا بر برنامه آتی و تصمیم تشکیل شد. موضوع مطرح بودجه و نیم سال گذشته بازرسی تحصیلدوزی که منجر شده بود رسیدگی قرار گرفت و کمیسیون پذیرفت مطرح کارمندان در جواهات گرد. سپس موضوع متشکلان در جریان شمس جلالی مطرح شد و دیر در مصاحبات پیشتری در اطراف لایحه‌ای در مسائل آینده در جلسه آینده مورد بررسی قرار گیرد.

* * *

درمعادن ذغال سنگ گلندرود

قرار اعتراض کوتاه‌ده هر از کارگران سختی مجروح شده‌ها بودن وسیله مدوا مطلوب نیست بر طرف آنها چه خواهد شد، منتظر اقدام فوری و جدی درباره بهبودی کارگران مه آوردجران خسارات وارده می‌باشیم.

* * *

روزنامه دموکرات ایران

در صفحه نخستین خود بحروف برجسته «دزده» چنین گفته که اعضای کمیسیون داد گستری از کانه‌های مشترک‌ترا کمیسیون دموکرات ایران و متولین وی انتخاب شده‌اند.

سومین تصمیم کنفرانس

بقیه از صفحه ۱

امروز نقشه مارشال را «جنوان (کمک» ملت‌ها تحصیل کرده‌اند، این نقشه صباح کشورهای متعددی را به نابودی تهدید میکند! کارخانه‌های ماشین سازی تونن، کارگاه‌های کشتی سازی مارسی، کارخانجات هواپیماسازی وسینمای فرانسه نوبه آن هستند بنا اجرای نقشه مارشال کارخانجات کشور های اروپا از کارخواهند افتاد، همچنین نقشه کلاتون اقتصادیات کشور های امریکای لاتن را ویران کرده، توده های مردم آنرا امپراطوریالیسم امریکا خواهند ساخت.

درچنین زمانی در کشورهای اروپا کارگران در مقابل خطر بیکاری و گرسنگی قرار گرفته‌اند بودجه ارتش برای برافروختن آتش جنگ مرتبا توسعه می‌یابد، بودجه ارتش اه ریکا ۳۲ درصد، انگلستان ۲۰ درصد فرانسه وایتالیا ۳۰ در صد بودجه کل رسیده است.

بیکاری روز بروز افزایش می‌یابد و در اثر اجرای طرح مارشال فقط ۵۰۰۰۰۰ جوان ۱۴ تا ۲۵ ساله بیکار شده‌اند.

ازطرف دیگر مزد جوانان کارگر نصف و در بعضی شهرها ثلث مزد کارگران بالغ است.

میلیونها جوان باشر، گرسنگی و ترس زندگی میتمایند. و این شرایط در بعضی از کشورها خطر ایتالیا و یونان بحران بدتر شده‌است.

جوانان کارگر باید برای دریافت حقوق خود برخاسته‌اند، نظر و نرود مبارزه نمایند. در شرایط سرمایه‌داری زنان کارگر در مقابل کار خود نظر را مزدی دریافت نمی‌دارند. میلیونها جوان در مستعمرات در مقابل مزد ناچیزی جهت می‌کنند و میلیونها نفر از گرسنگی و ناخوشی می‌میرند.

امروز که جوانان در ایتالیا، فرانسه انگلیس جوی، و سایر کشورهای جوان برای احقاق حقوق اقتصادی و سیاسی خود مبارزه کرده‌ند‌های منافع امپریالیسم می‌شوند ما، کارگران جوانان جهان نمی‌توانیم ساکت و آرام بنشینیم.

ما همه جوانان کارگر جهان را برای اجرای اصول زیر آن به همکاری دعوت می‌کنیم.

- آزادی بدون قید و شرط آزادی تشکل سازمان‌های دمکراتیک و سندیکاها.

- اجرای حقوق اجتماعی مترقی، تامین بهترین شرایط کار برای جوانان، و تعلیم‌ها جدید آورد زندگی آرام و آسوده.

- اجرای حقوق دمکراتیک کار در مورد کارگران راهنمائی.

پایان ترتیب گویا می‌بایستی از بابت دفاع زنده مورد استفاده‌های مالی و هنر کرده آموزه خاطر بود، بنا این خبر و مشاهده و عضا مورد گران دفن آنهن نمایانی از برقرای‌دوه کرده بود.

* * *

دهقان «معروف» نماینده

«معروف» مجلس برای آنکه از هم مشربان عزیز خود اطلاعات گهان‌در مسئله مجلس (مجاوز مرحله‌ای) عقب نماند و از طرف دیگر تا روز قبله آینده، روز انتظار « گرامی نامه » تهران معمور نمی‌توانست خود را نگه دارد و در هوس آزادی با وارباب نگه ناچار دیروز از ریاست مجلس تقاضا کرد وزیر جنگ را بسرای ادای توضیح درباره‌ایجنطب (فوق‌العاده مهم) احضار نماید.

بهر حال می‌بایستی از هر راه‌دفعه مرخصی‌ی کرد و «لیاقت» خودرا نشان داد.

* * *

ضمن خبری که در باره

اخلاص‌در دعاهایت چه‌روز پیش‌منتشر گردید اشتباها جای « دکتر پیرجهه» رئیس می‌کارخانه دخانیات‌دو گذرهه شایسته مجلس ذکر شده بود اینکه باین وسیله خرمه‌گور تصحیح میگردد.

ماجری

بقیه از صفحه ۱

کارگردان فیلم برای «علم و کتاب» مبارزه! بینند خالی‌الذهن بآمای هری می‌چسبد، که کتاب را بگوشه‌ای پرت کند، در کتابخانه سوت نرفته، بر نقشه کتابها بانظر نظر افکنده و بیرمرد های‌بشو که اعتراض میکنند لوت‌ستاده بگوید «سخت نگیرید»!

هولیوود هم جز این نتیجه‌ای نمی‌خواهد، ولی علل سلیم‌فریب این‌مضحکه را نمیخواهد! چه هولیوود بجای علم‌جا میزند و بمعرفی میپردازد «بیدانشی» و جهل است.

ناظم میگفت که زن ماشین چه زالیمن است.

ناظم مطلب را جدی میگرفت و نباید باهوس میکرد، ولی آقای کلارک گیبل گره از ابرو باز میکند با ادا و اطوار های لوس و مبلغ. ازاین هم بالاتر ادعا میکند که زن وسیله‌ای است که درهر بنگاه بلوسی های ایشان را ارضاء کند.

درجنگ بزرگی که گذشت زنان همدوش مردان پیکار کردند، درچین، یوزان، وات تام، اتو تری و ... هنوز نقشه ها را بزمین نگذاشته‌اند.

در سرزمین‌های شاد و آبادی ازجهان که آقایان و کفلر و مرگسان عوفی تعارف، در آنجا که کوس شکست هولیوود را میزنند: زنان همراه بامردان اجتماع انورا میسازند.

ولی هولیوود از دهان کلارک گیبل میگوید که اصولاجنس ماده طبیعت است و بهمین جهت میشود چه‌مرع راسر بریده ولی حیف است که صدای یک خروس خاموش شود! زن یک بازچه زیباست بازچه‌ای که به نیش ازدوغب‌نمی‌ارزد بهمین جهت آقای هری نسبت بزنها سخت بی‌اعتناست. ولی درموقع زنها دربرابر چشمهای پرغرور وسیل هنای زیبای آقای هری، هرچه‌توهین‌میشتوند وتحقیرمیشوند، بیشتر شیفته و بی‌تاب میگردند.

هری، این‌مرد خوشبخت نمونه‌ای استثنائی نداره که و کیک ترین مسئله‌ها را برزبان آورد، یک جا هنگامی که

- پرداخت مزد مساوی در مقابل کار مساوی.

- دستمزد مساوی زن و مرد بازای کار مساوی.

- برابری مزد و ارباب کارگران بوی‌جواهر وشناسائی حقوق سندیکائی برای آنها.

- اتفاق عمومی کار های شدید و برده‌داری که دربعضی از کشورها هنوز وجود دارد.

تمام این مطالبات تنها با اتحاد و مبارزه انقلابی بدست خواهد آمد، ما بازهم جوانان دنیا را برای همکاری روز اخیر بنام‌دراسیون جهانی جوانان دمکراتیک دعوت میکنیم.

ما در روی دراسیون جهانی سندیکاها و سازمان بین‌المللی کار برای اتحاد حقوق جوانان تکیه می‌کنیم سازمان‌های جوانان وادو کنار سندیکاها تشکل‌دهند!

در خط خبرنگاران و متخصصین در اتحادیه‌ها و نهضت های کارگری جدا مبارزه کنید!

کنفرانس مبارزه موثر طبقه کارگر و جوانان کارگر فرانسه و ایتالیا و کشورهای دیگر را مورد توجه قرار می‌دهد.

ما بهمه جوانان کارگر دنیا اعلام می‌کنیم که در مبارزه که برای حقوق و احتیاجات جوانان، برای حفظ منافع طبقه خود برخاسته‌ایم، فقر و اسارت و برای صلح مستحکم و استقلال همه ملتها و امنیت و استقرار باشند.»

برای اطلاع رفقای کارگر

روز جمعه ساعت ۵ بعد از ظهر آقای دکتر فروتن درسالن کلوب درباره (مبارزات کارگران فرانسه) کنفرانس جالبی ایراد خواهند کرد حضور عموم رفقای کارگر ضروری است.

۱-۲ شعبه کارگری تعلیمات و تبلیغات تهران

بشر

رنگین در چهار صفحه صبح جمعه منتشر میشود

www.iran-archive.com

مهمترین اخبار جهان

آنکارا - بوی پکن و نانکن بطوریکه آژانس آناطولی خبر می دهد نیروهای آزادیبخش چین هم اکنون ترش در مست پکن را آغاز کرده اند.

ولی هنوز معلوم نیست که این نیروها مستقیما بسوی پکن خواهند راند و یا باورد زمین این شهر طرف نانکینگ (پایتخت چین کومینتانگ) و فانگهای سرازیر خواهند شد. اتباع فرانسوی مقیم پکن دستور خروج از این شهر را دریافت کرده اند.

بنا باظهارات رادیو لندن در برنامه مخصوص خاور دور، نیروهای کمونیست پس از اشغال منچوری آماده ترش عمومی بشمال چین میشوند.

هواپیماهای کومینتانگ بشهر موکدن حمله برده اند. بنا بخبری که از نانکینگ بدست آمده واردوان هو نخست وزیر دولت چونگ هو و رئیس دولت کومینتانگ بعلت اختلاف اوضاع از مقام خود استعفا داده اند. ولی چیانگ چیک از پذیرش استعفای آنها خودداری کرده و خواهش کرده است بکار خود ادامه دهند.

بطوریکه آژانس رایتر پیش بینی میکند پس از نانکینگ اطلاع میدهد اگر مردان سلاح فرستاده شده خیلی زیاد هم باشد فایده ندارد ولی خواهند بشیر واسطه از واشنگتن احتمال نیز دارد پیش از اعزام مقام ریاست جمهور از طرف رئیس جمهور جدید که در تاریخ ۲۰ ژانویه بعمل خواهد آمد در سیاست امریکا نسبت بچین کوچکترین تغییری حاصل بشود.

بنابوشته پولن مقارت امریکا در تهران به امریکائیان مقیم ایران یک دستور داده شده است که از آن شهرها خارج شوند.

چیانگ چیک که تاکنون مرتبا دم از سرکوبی قریب الوقوع «یاغیان کمونیست» میزد بنا بگفته رادیو لندن باحتمال قوی از کار بر کنار خواهد شد گویا نظر حامیان آنگلوساکسن وزیر صلاح دراین دیده اند که با تشکیل یک دولت ظاهرا دست چپ در نانکینگ پرداختن مبادا که با کمونیستها، ولی لندن بسیار ناراضی است که در این صورت نیز بلشت برتری قوای کمونیستها خواهان احراز رتبه اول در فرمانروائی خواهند بود.

دراین میان روزنامه های انگلیس با تهیه ای و بیانی کلی از وضع چین چیانگ چیک سخن میگویند. ارگان وزارت امور خارجه انگلیس «تایمز» می نویسد:

«در اثر ضربه مهلک سقوط موکدن، حکومت چیانگ چیک هم اعتبار خود خود را از دست داده است و هم میانی را که امریکا تعلیم داده و تجهیز کرده بود. اکنون عامل منابع طبیعی و قوت صنعتی فراوانی دارند در دست حکومت مرکزی نیست. این وضع عکس العملهای در روحیه اهالی نواحی جنوبی چین خواهد داشت.»

نیویورک - آخرین فعالیت انتخاباتی در آمریکا روز آخرین فعالیت انتخاباتی که بدعاوی رئیس جمهور صدر آمد در روز هر جای زندگی تبلیغ معرف گردید و خطابه هائیکه بوسیله حزبی ایراد گردید و گفت که متصاعد ظاهر مربوط به پیروی از حزب دمکرات است بطوری گویا حزب دمکرات «حزب ملت» است.

دیوانی آمریکائی ما را دعوت کرد که حزب جمهوریخواه رای بدهد. والاس ملت امریکا را بر حذر ساخت که رای دادن به دیوانی در حقیقت به نفع سیاستی است که در آنجا بوی امنیت را می افزاید و ما را بسوی جنگ میبرد.

ترلی - درباره افزایش پلیس آلمان بعضی از جرایدامریکا انگلیس نسبت افسانه بازی در باره باج ضمن پلیس منطقه غوروی آلمان ۴۰۰۹ هزار نفر را انتظار داده اند که یکی بررسی و خالی از حقیقت است.

چندی پیش ژنرال کلی فرمانده آمریکائی در آلمان میزان این نیرو را ۲۰۰ هزار نفر و ژنرال دانسن فرمانده انگلیسی ۲۰۰ هزار نفر تعیین کرد.

دفتر اطلاعات نظامی غوروی در تران رسما اظهار میدارد که قانون نظامی بر تشکیل پلیس کمپرالیه آلمان سر تا پا دروغ است. حقیقت امر این است که چندی پیش در حدود ده هزار نفر جهت مبارزه با تجاوزگری و اعلان گرانی که وارد منطقه غوروی می شدند بر عده پلیس آلمان افزوده شده است.

ژنرال اوکراهیکو رئیس ستاد نظامی غوروی در تران یادداشتی به ستاد های نظامی امریکا و انگلیس فرستاده و به نقض مقررات پروتوکل از طرف نظامیان امریکائی و انگلیسی در منطقه تران ورلک اعتراض کرده و عنوان دلیل اقدامات متعددی را ارائه داده است. «دوانی یادداشت تذکر داده شده است که نقض امنیت پرواز بر فراز منطقه تران ورلک علاوه بر ایجاد خطر نسبت به پروازهواپیما های غوروی پرواز هواپیما های کشوری متعلق بکشور های دیگر را نیز بخطر می اندازد.»

پاریس - اعتصاب توسعه میابد کارگران صنایع ذغال کاری و پاره گری فرانسه بنوان تقاضای اضافه دستمزد تصمیم باعتصاب گرفته اند. منطقه غوری پاریس و اطراف آن باعتصابیان بیشتر دفال سنگ فرو رفته و دیگر نواحی ادامه دارد.

پاریس - مارشال وزیر امور خارجه امریکا که از او امر عقده گذشته در انگلستان اقامت داشت و گویا صلاحیت وی مربوط به مسئله فلسطین بود دیروز پاریس بازگشته.

درباره انتخابات دیروز امریکا

نیویورک - والاس نایب رئیس از تحصیل حق انتخاب یک شهر است انتخابات در چهار و پنج ایالت امریکا مبارزه انتخاباتی خود را با کمال جدیت تعقیب کرده اند در برخی از ایالات مقامات از تمامی مردم آمریکا بوجب احکام نیروی اضافی با به وسیله تحریکات فهرستهای حزب ترقیخواه رارد کرده اند. این از اینست که در ایالت (ورجینی) بوقوع پیوسته است در نقاط دیگری هم مرتجعین با هم اتفاق کرده فقط یک نامزد معرفی کرده اند با تمام این تحریکات احتمال میرود حزب ترقیخواه در نیویورک به انتخاب چندین نماینده موفق شود. یکی از روزنامه های امریکا مینویسد «در انتخابات فقط کسانی که از طلب کمیسیون تحقیقات فعالیتهای ضد امریکائی وحشت دارند بطرح والاس رای خواهند داد.»

تسلیت

با کمال تاسف درگذشت مادر رفیق علی وسیار خود آقای محمدرضا ترمیبان را بپازماندگان آنمرحومه تسلیت میگوئیم.

مرده ۴۰۳ بخش کلیه دفاتر

نامه ها و مقالات وارده

از اراک مینویسند.

در اثر شکایت پرداخت اهالی در به شاهزاده اراک منصدی پاسگاه ژاندارمری عوض شده ولی این تغییر برای بخشدار که یکی از همدستان سماج خودرا از دست داده گران آمده و بآزار اهالی قریه شاهزاده پرداخته و بیف بیچواهه نامه ای با شاه مردم برسانند که همان مسئول پاسگاه (بصدی) آنجا نبوده داده شود.

دهاتی که در مرکز کراز می باشد نیز بسته و مطمئن آن از طرف بخشدار نوشته شده اند.

اهالی جدا خواستارند که این بخشدار از این نقطه فراخوانده شود.

شکایت رسیده از گرمسار

از گرمسار بروزنامه مینویسند

اخیرا یک جمعی تاوان برای اهالی گرمسار درست کرده اند. همه ای را بنام مامورین دفع من باجا اعزام کرده اند.

ولی این افراد مامور خوشگذرانی واسب سواری میباشند. از کشاورزان برای بکار گماشتن مطلوب هر روز را فقط دریافت میکنند. خود اینها بدترین آفات منطقه باید شرشال کنند خود.

از این مامورین برای اهالی گرمسار چه فتنه های شگفته مشروب چیزی نتیجه نیست و در خانه تقاضا کرده اند که وزارت کشاورزی باین وضع مامورین دفع من توجه کند.

شکایت از وضع لاهیجان

از لاهیجان شکرنامه اطلاع میدهند که اخیرا اداره خزانه چای از تهران دستور داده که چای خریداری شود در انبارهای چای کشور برای ورود چای خارجی است و این عمل مدتها درگی بمصرف کشور میرسد.

دولت عمل مدیریت دیگری که بیش بینی عده ای از مردم و رحمتکش لاهیجان انجام میشود. انجام میدهد.

شکایت کارگران لاهیجان

نامه ای باعضای کارگران کارخانه شرکت سهامی بازرگانی چای لاهیجان بروزنامه رسیده که از مدیر کارخانه گله نموده اند اداره کار شکایت کرده اند زیرا در موضع پرداخت حقوق باورز آنها که از ۲۰ تا ۱۰ ریال در مقابل ۱۰ ساعت کار است به عرصه کشر کرده اند در مقابل اعتراض آنها در کارخانه از بیرون (اعتراض) استفاده کرده و کارگران را چنین استفاده اند آنها قاعدا دارند که تحقیق حل اوه و دوبرابه مشغول کار شوند.

از زندان شهربانی اهواز

آقای کبیری از زندان شهربانی اهواز شکایت می کند که پس از تعویض لایحه باصطلاح عفو با استفاده از کلمه «فاقد» و «عدی» راهنوز در گوشه زندانها نگه داشته اند اگر ما فاقد هستیم پس مقتول کیست چرا دوره کند تعالیه نمی دهید.

در خانه نمایندگی آزادی و زندانیان آذربایجانی در اهواز را گردانده.

آقای مرتضی نعمان شکایت میکند

که مقداری از اراضی که بنام ایشان یک شماره ۹۶۲۴ ثبت رسیده از طرف مدیر ثبت صنعتی بنام یکصد دیگر صادر شده و حق مالکیت و مالک اصلی را سلب کرده است بطوریکه توضیح میدهند بلوجود یک مقدار سی حقانیت اشتراک صدق کرده اند مالک مدیر کل ثبت غیر قانونی میخواهد قسمتی از اراضی را بنام دولت و قسمتی دیگر را بنام ورثه شخصی دیگر ثبت برسانند.

...

یکی از کارگران چاپخانه ایکه در خیابان شاه آباد است نامه ای بروزنامه توشه و شرح زندگی و وضع رقت بار کارگران چاپخانه که شبوروز مشغول میکنند و از همه چیز محروم هستند توضیح داده. بطوریکه از نامه نامه کور میشود یکی از همان یکی از دو کارگر چاپخانه که در پشت ماشین بوده و عنقا خواهش میبرد مشغول در زیر ماشین میرود و چون در چاپخانه را هر شب کار فرما می اندازد مجبور بوده اند در همانجا بشب در تاصبح باآن وضع رقت آور بمانند. کارفرما تمام مدت سعی میکند که با کار بیشتر و مزد کمتر منافع خود را بدست آورد.

در خاتمه نامه تذکر داده شده که توقیف جراید از طرف دولت هزار ضرر ای دیگر بکارگران چاپخانه ها و روزنامه نویسان آنها افزوده.

بانوان چرا خیاطی یاد نمیگیرید تا از پرداخت مزد گزاف صرفه جوئی نمائید

دوره هیجدهم خیاطی انستیتو دانش

از دهم آبان ماه شروع میشود و تاکنون ۳۷۶ نفر بانو توسط ان انستیتو دیپلمه خیاطی شدند و آمادگی خودرا برای خدمت جامعه اعلام داشته اند اگرهنوز هم مایل هستید در مدت ۳ ماه دیپلمه خیاطی شوید و از مهمه دوخت و برش هرگونه لباس برائید در دورهٔ هیجدهم خیاطی نام نویسی نمائید.

انستیتو دانش سرچشمه — آ - ۳۴۰ — ۱ - ۸

در کوران اجتماع

فقط اشخاص قوی پیروز میشوند اگر میخواهید در زندگی فائق بشوید امولسیون اسکات مصرف کنید تا ویتامین های D و A وفسفر آن که وجهٔ امتیاز آن بر روغن ماهیهای دیگر است شما را نیرومند نماید

۳-۲ — ب.ت آ — ۲۳۳آ

علاج فوری دکام وسایر عوارض بینی

استعمال کارسودرین بنا بنوشته پزشک

پزشک کارسودرین بنا بنوشته پزشک

آ - ۲۱۱ — ۱۲ - ۳۰

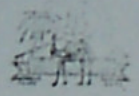

کارخانه شکلات سازی

کاروان

انواع و اقسام شکلات، آب نبات، مارشمالو و همه نوع شیرینی بسیار اعلا را با نازلترین قیمت در دسترس مشتریان محترم عرضه داشته است

نشانی: چهارراه مخبرالدوله کوچه جنب قنادی نوشین شعبه: روبروی بیمارستان شوروی قنادی کاروان

آ - ۳۱۸ — ۵ - ۵

بنگاه داروئی آبو ناصرخسرو سرای روغن تلفن ۹۳۸۱

آ - ۲۲۰ — ۳ - ۳

دکتر حسین آذر

از بیماران - داخلی - آمیزشی - کودکان پذیرائی میکند محل تزریقات وریدی - وریدسازی برای بیماران در تمام اوقات آماده است اوقات پذیرائی صبح از ۸ تا ۱۱ و ۴ و عصر از ۲ تا ۷

نشانی خیابان دانشگاه جنب - مدرسه طرشت اتوبوس خط ۱۶

آ - ۲۲۵

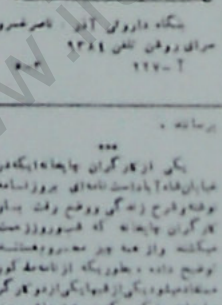

Noveril

Analgésique - Antipyrétique - Sudorifique

قرص نوویل

مسکن

آ - ۲۲۹ — ۳ - ۰

مطب دکتر مداوی

از چهارراه پهلوی بخیابان رفی جنب بازارچه شهاب البالک انتقال یافت ساعات پذیرائی ۹-۵ بعد از ظهر آ - ۲۲۸ — ۳ - ۳

قابل توجه پزشکان محترم

ومتخصص کودکان ضعیف و بانوان شیرده

بوسکو درتکثیر شیرمادران و تحکیم استخوان بندی اطفال کاربرد بسزائی دارد.

بوسکو دارای فسفاتی مطبوعی است چون روغن ماهی که ازویتامین D و آهن تقویت شده.

محل فروش کلیه داروخانه های کشور

آ - ۲۱۰

امبر و بالم

پیاری است تسکین دهنده فوری درد های روماتیسمی پادرد - گیر درد - سیاتیک - نقرس - سینه درد و کلیه درد های عضلی و عضلانی

محل فروش کلیه داروخانه های کشور

آ - ۲۱۱ — ۹ - ۱۰

رفقای حزبی، اتحادیه، جوانان و زنان و مردان از ادیخواه در متینگ جمعه ۱۴ ابان شرکت نمائید.

کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران برعلیه ارتجاع متحد شوید

با هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید

بررسی جراید

«خواجه نوری» مقاله عدالت خودکار و دوست صمیمی و غیره» در همین نامه‌ی در «ستاره گوشه مزه».

«از مخصوصات نامه‌ی دیگر گفته اشاره «من تعریفی» را با «من صمیمی» و مطلق فرق میگذارد» یعنی میگوید چه با اشخاص هستند که پس از گذراندن تکلیف چهار، استعداد صمیمی و لوه نامه و یا قول خودشان و «وفا و امید» آنها با اندازه مرده میها چهل سال است... ولی آنچه مسلم است خدمتنا هرفنی جوانی از جشن مرد جوان بیشتر خوشش میآید. در جای جوان بیشتر خوشش و تشریح با دوران جوان راضی‌ترند. البته در همانجا با خوشحالی دعای پرش مقدمه‌ای میکنند با لحن بسیار پیراسته ای گفت.

شمس و اشرف را با وفا کرده از بنای مسموم و قوی‌های و آبیک. واطبه های کشی ! که در اطراف خدمات « پرتواب » ایشان می‌شود ترجمه !»

مدا که اله آقای پرش مقیمه، همان وقت‌های باشد که **بابا علی** در خلق مزوده است.

« وقتی افتاد فقط‌های در مصر، که از آن فقط‌های واردشد ناگهان باران فوهردار، همه در کاخ خانه حاضر رفته»

بابا علی دیگر از «خبرنگار» نیز افاده میکند.

« مقدمه‌ی واقعی خواهرو برادری دولاو با اصطلاح «توامان» به‌ابتدا به طلبگ خواهرو بدفقاس است... برای اینکه من او و برادرش یکی است و همه از این موضوع اطلاع دارند و اگر خواهر بیچاره خواهد سخنی را کنار زمین واقعی جلوه دهد (یعنی چون خواهر من کوچکی ! خودرا بگوید) چون من برادرش مسلوم است خواهر لنی لود»

« بابا » در اطراف « فقه » بیشتر صحبت میکند و نیز گرانی او را هم می‌نویسد.

« ما فقا فقط میداد که مرغ بود ولی آنهائی که کتاب قبول انگلوسا کنن او را خواهند اند ! خوب میدانند که او جو با گوه های مرغ، باشد مرغ مانده‌ها معاشات (و گوا بوسین جهت بیشتر در دو اوستا فاروق او رام شده است) ... ما در خواهند ولی با آب تایید وهو گرفته و با دانه های لیسح بران لیره های در باغی راحساب میکند. هنوز اتومبیل ندارد ولی از و بیاز موادی ای وفای خودایران و آشکار، موارد میگوید آن مرد ریاندار... میدانی خوب است اصیه عاقل کنی است که هسته در روزنامه خود از او پشتیبانی میکنند !»

تهران امروز (آش) هم غیر مبهمه نه.

«وقت آیه‌ه و الاحضرت قاعده‌ی اشرف بنوی» به همه‌مان خواهد رفت»

و اضافه میکند.

« در وقتی که در اداره دعاییان کارگران کراسی لنکلن داده بودند عمرو عدایت هم حضور داشت ... عمرو کارگران از عمرو عدایت امروز تدر نبودند ... و او بافرمه گی از محل کنفرانس خارج میشود.»

نجات ایران و ستاره نیز « وستیرو و عنایت عدالیش در راه آهن حمله میکند.

نجات ایران با گناه مینویسد.

« من کجا هستند کسانیکه روز و شب در دادگاهای جنجال و نجالی دل انگیز لفظا و عملا و نزاد داد سخن و در دراز علاقه بنه بر قراری عدالت اجتماعی میدهند؟»

کوه نور جواب میدهد.

« والاحضرت اشرف تا آخر ماه نوامبر بایدیکه حریت نبوده و تدنی در آنجا اقامت خواهند فرمود. این مسافرت دو وظایف سیاسی بین دولتین بی تاثیر خواهد بود.»

نجات ایران معتقد کوه میکند.

« سوه ازدهان تا بحدی ظاهر و فاش گردیده که اعلیحضرت مایل توجه حاصل نموده لطف فرمودند که این گوه عناصر را بدربار راه ندهند، ولی با وجود این هنوز سوء استفاده های این اشخاص ادامه دارد و فساد راه آهن یکسی از نمونه های آن است این چه اشخاصی است ! این چه رسوائی است ! ... مگر گوره و ابی چه ... **آخر جاهم خوب چیزی است !**»

ایجا « بابا » از گورمدیرو و تعریف میکند.

«مرتاض « دختر هایه پش » از شاه کارهای فراموش شده‌ی کرمانشاه رضاشاه است... از فیلمهای کوتاه و بلندی که در زمان « اسیار اسقاط » برداشته شده شاگردان مطرب، بوسه برخاک، فرهنگ و نوری (آمرانه ها راهی هستند، وهمین طور از شروف دخترها به پیش را میتوان نام برد. روسیور آزاد که فیلم اخیر همین روسیور است... و فیلم سرون وجا گرفت ! تحت عنوان مستقیم از سیر نمایش گذاشته شد... فیلم برجسته و مصمم در فرهنگ و تاسف عنوانی برای انگلیس این موجود (روسیور خانه و از ۱۰۰ ... اشرف) فیلم دخترها به بیش بسیار نوی است. موزیک آن بوسیله و هنرمندی با سابقه و باشعار بطور عظیم احساسات «هدایت» میشود.»

ستاره « گیری بر اخبار متعدی در باره سه کوهرنگ که عظیم‌ترین ساخته و پرداخته شده و تمام خاورمیانه را روشن کرده میدهد مشتاقانه گزارش میدهد.

و در ساختار بهارستان و ایجاد ساختاری شعبه یک شب در کوهرنگ که ساخته پیرانی در یک خانه و بالعمل [illegible] و [illegible] و [illegible] (مهمان نوازی) بعد از تهران خاورمیانی و محل حل شوده است که پانزده بر یکصد و بیست عضوی آن مقرر شده (البته انگلیس) از طبقه خورا آنهای مختلف بوده است (گویا زمین در آن چنین جنبه زهر دارند که قرار داده صادق معروی ماهر قرار آنها و ساختن ماهیتهای (معاشر جرجری) که پوسته وقف و ج (معاشر ارجریری) معروف شده بود وقتیکه بانج بر بیست هزار تومان هزینه خورا کیا شده باشد ! و قسمت اعظم آن ملاحظه و زیان خود در ساختار باقی مانده ! (آنون در اصفهان شایع است که مقرر خان آمده است ! من یکصد هزار تومان خرج مهیای شاه کرده‌اند و باستی جبران خود (البته که این حرف صحیح است ! مردم خیال میکنند احتیاج سه عظمی که در قسمی و بیست و دوم تمام خواهد شد خودی و ملت است !) و بنا اینی اشرایب در محل مصالحه نبوده‌اند که تهران مازاد غذای که از ملکان بهار معاری فرمود و اشرف گرفته شده است تاهران یکصد هزار تومان تاریخه دیگر (آمرن) و خان‌ملک مالکان احرجاری و باقروش در بازار آزاد بزهر کرمان و سایر نقاط صد هزار تومان را که با این ترتیب چندین برابر میشود جبران نماید.»

این شعبه کار «ساری» ! و لا کیک برای او دیگر اسم او که شعبه کار خلاصه.

کسری در دنبال **ستاره** شعبه جریان سد عظیم کوهرنگ را که چون رنگ کوه است پیدا نیست شرح میدهد.

« بازده غیر از سرمایه داران اصفهان اسا مبلغ مشتمله هزار تومان چون سرمایه شرکت پرداخته‌اند ولی واقعا پولی تاحال نداده‌اند (نه‌هند ، خود سه مثل عدالت خودکار خواجه‌ه نوری خودش دوست میشود و دنیا را به‌حساب ماه‌اند) و فقط مقدمه‌هائی بن یکه‌دیگر و دوبدل کرده‌اند و لیز تمام ! ! غیر در دی که صاحب سهم هسته خودرا چنین هیئت مدیره انتخاب کرده‌اند (بارک ش) ولی بیکه آبادی با عطائی اعلیحضرت که صاحب دو ملیون تومان از سرمایه کوهرنگ میباشد زیر بار نرفته و پس از مشاجرات زیاد حاضر شده است اعضای هیئت مدیره را پنج نفر تقلیل دهد (جیف) ... ولی ! ! هر مرحوم زیر بار نمیرود (تروته) و میخواهند علاوه بر دریافت میانه حقوق سرمایه شرکت راهم بتوان هیئت در تحت اختیار گرفته و بخواهند مورد مصرف کنند» (مصرف کنند).

تحول از بالا واقعا که سرعت اجتماعی گیرد. همانطور که بقول «بابا» پیر گردن دعوی در بیارسان جوان تحول از پائین نیز سرعت انجام گرفت:

ایجا اندی فوزانو برآنده می خود و از ایمان‌سان بوسیله کارزار فریاد میکند.

«ای دو میلیارد جمعیت دنیا (بابا) من شما خطاب کرده این راه صراط مستقیم را از شما دارم» (چاپم) احساسات مشترک ۱۲۲ طایفه‌ی زمین‌ها متعدد ساخته و یکه‌گیر پچیده (ااا)».

اقدام هر طور کلی در حیرت است.

«وزارت‌الیسم جانک گرفتن هم ؟ اگر که متوسل شده و مدعو خواهند، ولی استقامت او بخر زیاد میآید زیرا مردم پریشان چین هرام کوپیسم را استقبال میکنند ... یکی از جراید میوینه که دیوانی بوی خط می دهد ... که آنها بی‌و باران هرسرایت میکنند.

تا برای [illegible] دیوانی، (براهم در کشور خود بوسیده وهم در خارج) »

با این حال مطلوب [illegible] بطور « کلیه و » [illegible] دارد.

قیام ایران نیز مینویسد.

« ناصر فرهاد باشهای قانون‌نامه‌ره حکومت باشد ... اعلان معمه مسبوق ، پیدا نشده ... روزنامه‌ها و ... هم اینکه در راه همدستگاری مردم کنای توشه ... به بازده مال جنس با اعلان شاهد محکوم شده است ... [illegible] که بیه بیره ایمان مرتاب برخاسته بلود ۲۲ هر انسان زمه ویگانه با بیل و اراده خود بدون هیچگونه دستور و توجه و همکاری قبوت آمعوزرا تنکیکو قطعه‌نقطه و باره باره و جواز سواح گردانیده دوره ولایت اعلیحضرت شاه دوره هو قرار گرفته و اکنون دلی شاخ شدنا راه دیوده ... حتی این مجموعه‌گی این است که تولد شاه مساوی است با مرگ خانه‌ا و دو غیر انسان بی گناه !... حمایت شاه از هزار در مدعی خواهد است »

آنگاه **قیام ایران** اضافه می کند.

« دیروز رئیس جاده ارتش از طرف شاه اعلام شده است تا در باره « جاوز مرحوم» توضیح دادند گویا آقای مهیه وزیر آرا حرفی شاه وساخته‌اند که مثلا ارتش در انتظار این امر دعائی دارد و روزنامه‌های مصر بوسیله خبر نگاران خودشان خبر تولن را بدست آورده اند دستورداده شده است متن نگرفتی مخابره شمعاز طرف خبرنگاران را بطرفداه برسانند اکنون برای توجه چنین صورت تنگرانی بدست آورده اند »

ندای آزادی نیز اضافه می کند.

« طرز انتشار خبر و تجاوزات مرحومی » خواب مهمتر از اصل آن بود و مسلوم میشد که از طرف دستگاه های مخصوص که درصدد بدست آوردن قدرت و ایجاد زمینه برای اجرای مقصد خود و بیان پایه خود هستند جراید «مخصوصی» داده شده بود.»

طهران امروز مینویسد میکند.

« داستان «جاوز خوری» بقیه از صفحه ۱

حتی در دستان ما بلغ «امریکا یسم» فشار مبتذل امپریالیسم امریکا تابع میشود.

بنظر وزیر فرهنگ و ارباب او یک دانشجو در محیط دانشگاه حق ندارد از سیاست صحبت کند و درغیر اینصورت از محیط دانشگاه‌واخته میشود. ولی سفارت امریکا سعی‌دارد فیلمی که در آن انگیزه‌های استعمار کشورها پروانده شده‌است درروستاها نمایش دهد.

در یکی از دستهای تهران هنگامیکه جمعها میخواستند بخانه بروند مردمهای زیادی شده بود آنها را دسته دسته در سالون بزرگی جمع کردند وفیلمی که ازطرف سفارت امریکا مخصوص اطفال دبستانی تهیه شده بود نمایش دادند.

فل از هرچیز چه‌های امریکائی مر میز غذا گویا دعا میکنند و از ملت بیماری که برای باصطلاح همه بیچاره‌ها موجود دارد خواهانند. مدت غذا بسیار تیز و انبانهای چه ها فشنگ است

درضمن از برنی زادامریکا و تحقیر ملتهاهم بیان میآید

البته در اینگونه فیلمها که بمنظور عامی دفاع از غارتگری امپریالیسم

سرمدان، ازطرف مادر بزرگ شده و برای مرخوب ساختن مجلس و برقراری حکومت نظامی و توقیف افراد و جرایه به‌پاه و «مقدمات» بوده است »

همین روزنامه میس از قبول

رادیو میکو مینویسد

« واخبار امریکائیها است بسیاری زرخر و موقعیت موزاتحیثی کردستان ایران توجه مخصوصی ابراز میدارند... از جمله سفر سناتور سامی مسافرت خرج آن سناتور امریکا در تهران در دواجی مخالف کردستان، و هیچ‌چه مسافرت کلامن رئیس اداره امور شرق در وزارت خارجه امریکاست. چندی قبل این مسافرت امریکا عمر خان قرشی رئیس ایل شکاک را بتهران دعوت نبود و باقتصار او مهمانی مجللی داده. این مهمانی مدعوح که مداخله منتی امریکائیها را در امور داخلی ایران نشان میدهد (و در این مورد کیهان بایدارش برای ایران ! نمی‌نویسد) اینک نظر جالب توجه است که غلط کردن امریکا و بسرای هایی ساختن استقلال کردستان بزرگ تحت سلطه امریکائیها که در صفحات جریده تهران منتشر است نشان کرد. بعد از آنکه قاضی محمد که در رأس نهضت کردستان قرار داشت اعتصاب نبود (که زیر از مصور اعتصاب عمل امریکا نبود و کلنو مصدقی تمام کردستان بزرگ تشکیل دهند امریکائیها برای اجرای غلط عمود درهمه پیدا کردن وحدت دیگری برآمده و مقدمات ناچیزه این فرقه بنیاد عمر خان اعانت نبوده...

لازم به ذکر نیست که اجرای این غلط تابع اشاره برای اختلال سیاسی ایران ضرر دارد، ولی امریکائیها عملیات خود را باین غلط محدود نکرده‌ودر میان قبائل کرد متشعل تحریک‌ودسیه میباشند میگویند که از میان افسران قبائل در دو افراد خانی تربیت نموده... و رزمهای دیده عمون اعلام در آن مرزوبن اعمال کنند. این دعائی از طرف مقامات مرتجع تهران نیز تائید و پشتیبانی میگردد و چندی قبل که برای همین منظور روحانی عشایر بتهران دعوت نموده ... مرتجع‌ترین آرا گفته بود که چنین موجهای غریب الوقوع است ایرانیا تعلیمات خاصی برای افراد ایلات و عشایر لازم است»

(ایجا « بابا علی » باز مشاهده میشود مینویسد.

«چون ماه پیشنهاد «کنروانی» قرار شده است که همه ماه ۲۴ اکتبر مثل عضو سازمان ملل متحل برای حفظ بشر از مخاطرات جنگ دعا کنند اعلامات وده نیز آرا» یکه صاحب‌خطب‌ایرانی « عابد و مسلمان » شده وقت روز مشغول دعاست»

و در تصویر صاحب‌خطب‌موی‌الیه را با فقط تسبیح وهمت تیرامریکائی و تسبیح نشان میدهد که درمحراب‌مسجدی دمی‌جباند.

فیلمهای تبلیغاتی امریکا

پرده پرشی خیانت آتش افروزان جنگ تهیه میشود از توده زحمتکش امریکائی از جنایات دستگاه پلیس ترومن نیست بکودکان سیاه پوست و محرومیت آنها ازهمین فرهنگ ادعائی سخنی در بین نیست. در این فیلم اینطور ادعا می شد که تمام چه‌های امریکائی گویا از «فرهنگ» «بهداشت» « زندگی نوین » وهمه چیز دیگر برخوردار هستند. تصادفی نیست اگرتهیه کنندگان این فیلم که نه تنها توده امریکائی بلکه توده های ملت های دیگر دوزیر اسارت خود در آورده‌اند چنین ادعائی رامیکنند، زیرا آنها فقط خودرا بشر میدانند فقط خود را مصداق مادومیلت امریکا تصورمیکنند بزعم آنها صدها هزار افراد سیاه پوست نه تنها خود ملت محسوب نمیشوند بلکه اساسا اینه تابع از حقوق انسانی نیستند و بهمین دلیل است که فرزندان آنها وجاره خانو محروم میباشند

که ایجاد کننده ثروتهای هنگفت سرمایه‌داران امریکائی است.

شعار «سوای «امریکائیسم» در تمام صحنه‌ها تبلیغ، تلقین میشد از مدعاوران امریکا برای حفظ موقعیت نامدوست خود وتامین منافع سرمایه‌داران بروائی ندارند از اینکه افراد بمنظور برده کردن ملتها بیایند.

تعجب ندارد اگر دراین فیلم یک مرتبه بامدای وساعته شود این چه های امریکائی که گویا در «بهشت» زندگی میکنند تابع کشوری هستند که نام آن دنیا است.

این است آن بیت استعماری تهیه کنندگان این فیلم. البته از نظر وزیر فرهنگ این عمل باصطلاح «کمک به تعلیم و تربیت» است وگویا دلیل همین برخی ایشان واز خصوصیات «تحول از بالا» است ولی مطلبی غراغشه برای اینکه بی‌توانند این خانها را نادیده بگیرند واز افراغت فرهنگ ملت ایران سرمشقانه دفاع میکنند بنامادوو دست تبدیه میشوند. چه‌ها وقتی که این صحنه را روی پرده خواهند دید و شعر و «بن» بای صبری نگاه می کردند ولی چه دیدند، جنرال الکتریک توانسته است بشریت که مفهوم این کلمه بطرز ترومن ومارشال همان صاحبان بانکها وکارتلها وتراستها است، وضعیت که، از صنایع امریکا و برتری آن که بمنظور تبلیغ برتری جنگی است سخن گفته شد.

سرمایه داران امریکائی از درک این مفهوم بازو که اراده توده های جهان ضامن بزرگ صلح و دموکراسی است عاجزند وابتهاء آتش جنگ را دامن میزنند.

در این فیلم سعی شده بود بچه‌ها چهانشانه که قدرت جنگی امریکا مبهره آسا است و البته با تبلیغ روحیه جنگ طلبی منظورخود را در ذهن چه ها جایگزین میشوند برتری زادامریکا. کوشش برای خیرشدن ملتها بمنظور مشروع جلوه دادن استعمار کشورها ودفاع از «تمدن» آزادیکش ودموکراسی غربی» این بود نتیجه‌ای که ازاین فیلم گرفته میشد. میگوموزاین فیلم نیزهمان هدف جنگ‌طلبی را دنبال میکردمعارف امریکا در دبستانها هم رخنه کرده و وقیحانه درراه‌بوده کردن وملت آزادی ملت ایران میکوشند وزیر فرهنگ که از چاکران استعداد است روش‌ضد آزادی او باندازه‌ای متنفع است که تاکنون ساقه نداشته باید ازاین آقا پرسید بچه حق وبا کدام مجوز سفارت امریکا اجازه چنین عمل زشت استعماری راداده است، شاید ایشان تصور کنند که باینگونه بدامات قدرت پرست میتوانند از جنگ بازخواست افکارعمومی خلاص یابند و شاید بهمین منظور است که چه های دبستان را از کلاس بیرون کشیده‌وبرای جمع‌آوری اعانه بجهانها فرستاده‌اند ازهمین دبستان عمدتی ازتوآموزان‌را برای جمع آوری اعانه بلغ «خیر و خوبی» شرح ، که آنچه مسلم است نمیتواند مفهوم کمک بمردم را بدهد که بجهانها اکسیل داشته بودند مثل اینکه وزیرفرهنگ جزاین هم وظیفه‌ای نداره اما وده مردم بیدار وهشیار است ونشان سالب آزادی وتوطئه انگیزی علیه استقلال و حیثیت ملت ایران را فاش میدارد و مبارزه شرافتمندانه خودرا بزهم‌دستان ملت ازپیش میبرد.

در همه جا باید باتصمیم

بقیه ازصفحه ۱

در دانشگاه، درکارخانه، درفرهنگ، درادارات دولتی، و در همه جا باید با تصمیم قطعی با دشمنان ملت روز و شد.

این اولین جمله هیئت حاکمه نیست که ملت با کمال دلیری سرآن پاسخ گفته است. روزی که دهمین مشروطیت ایران با انکار مقاوران استعماری و با اسلحه غارتی، مجلس شورای ملی ایران را توپ بست باطراف وجوانب ایران درتلگراف خودگفت: «با کمال قدرت فتح کردم» امروز چکسانی که به پشتیبانی امپریالیسم دموکراسی ایران را هدف گرفته اند از کمال قدرت خویش دم میزنند وفتح ایران خود را می‌نمایند، ولی فقط مردمان بحث برگشته‌اند که از تاریخ عبرت نمیگیرند.

حزب توده ایران همیشه راه روشن پرنسیپی را از باطلاق مانورها وبند وبست های ناشی از ضعف برگزیده است.

اینک نیز حزب ما درپیشاپیش ملت ایران راه وروش خویش را می‌پیماید وهمه میهنان را باتعاد تصمیم قطعی ومقاومت مثبت دعوت مینماید وحصول پیروزی قطعی را تائید میکند زیرا که شکست مسلم درهرحال نصیب آنهائی است که دفع شکست درخود آنهاست، شکست قطعی نصیب آنهائی است که برترس ووحشت خویش غالب نشوند مغلوب قطعی کسانی هستند که حتی در پشت دیوارهای سر کشیده برجهای خویش وازپشت تپه‌های سربزیر نتوانند دنیای نورانی را که جنگ آنان نهیب میزند به بینند، به حق واقعی خودخواهانی هستند که درهمین گرمی بزیرمزی فکر را حس میکنند وگوش آنها درجهان سرود خوشبختی ازخروش مردم یادآموده نیست.

ما یقین داریم که حزب ما ازحلقه آدم کش‌ها با پیروزی بیرون خواهد آمد زیرا که حزب توده ایران حزب فردایست، حزب ملت ایران است، حزب توده ایران از لوث جاقسوی مزدوران زخم بردار نیست. حزب توده ایران را دستهای خفه‌کننده نمیتوانند نمیلرزند، حزب توده ایران که امید ملت ماست زنده خواهد ماند.

سوگند

مازیا از لرد بایرون، افسانه های ایتالیا از لرد بایرون، ازآلسوی تپه ۳گون پوش از «نودر» فواره باغچه سرای از پوشکین، یک قطعه جالب از ادبیات ارمنی - محبت کودک از شهریار - یک شعر از یغما

چندمطلب ازمطالب متعدد سوگندهفته آینده است درانتظار شنبه باشید ۱-۴

امروز ساعت ۵ بعد ازظهر آقای احسان طبری درباره جنگ و صلح در دسالن کلوب مرکزی سخنرانی خواهند کرد

افراد غیرحزبی نیزمیتوانند درجلسه سخنرانی شرکت کنند. حضور آژیتاتورها و مسئولین کمیته های حزبی ضروری است

www.iran-archive.com